



نقش رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی و اصول موافقت‌نامه تریپس در تضمین حقوق مالکیت فکری

علی کمیلی پور^۱
لیلا رئیسی^۲
مسعود راعی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۶/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۰/۲۲

چکیده

ضعف حمایت از حقوق مالکیت فکری سبب پیدایش موافقت‌نامه تریپس در بطن سازمان تجارت جهانی گردید این موافقت‌نامه ابتدا با تدوین برخی اصول به تصویب رسید و در نهایت با دیگر اصول مقرر در این موافقت‌نامه و وجود نهاد حل و فصل اختلاف سازمان تجارت جهانی این امید وجود دارد که اجرا و تضمین بهتری از حقوق مالکیت فکری را شاهد باشیم و پیرو این توضیحات پرسش این پژوهش آن است که رکن حل و فصل اختلافات در حوزه مالکیت فکری چه نقشی را در عرصه موجود در حوزه رویه قضایی ایجاد کرده است؟ با بررسی آراء بین‌الملل شاهد هستیم که وجود این رکن و موافقت‌نامه فوق‌الذکر گامی مثبت در تطابق کشورها با استانداردهای حمایتی مالکیت فکری است و آنچنان که برخی از دعاوی ناشی از استانداردهای حمایتی تریپس بوده و رکن حل و فصل اختلافات با نظارت بر اجرا، غرامت و دیگر ابزارهای موجود سعی بر تضمین حقوق مالکیت فکری دارد بنابراین در این مقاله سعی داریم تا با بررسی اصول و رویه قضایی سازمان تجارت جهانی به بررسی نحوه تضمین حقوق مالکیت فکری بپردازیم. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی خواهد بود.

کلید واژه‌ها

تریپس، رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، رویه قضایی تضمین.

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. ali.komeylipour@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده علوم انسانی و حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (استاد راهنما و نویسنده مسئول): raisi.leila@gmail.com

^۳ دانشیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (استاد مشاور): masoudraei@yahoo.com

۱. مقدمه

حقوق سازمان تجارت جهانی^۱ منطبق با مجموعه‌ای پیچیده از اصول و قواعدی است که به تجارت کالا، خدمات و حمایت از حقوق مالکیت فکری می‌پردازد. در رژیم حقوقی سازمان جهانی تجارت اصول متعددی وجود دارند که این اصول بر موافقتنامه‌های چند جانبه این سازمان حاکم است. موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان جهانی تجارت طیف وسیعی از موضوعات متنوعی از قبیل تجارت کالا و خدمات، کشاورزی، منسوجات، بانکداری و مخابرات، خریدهای دولتی، استانداردهای بین‌المللی، مالکیت فکری، تعرفه‌ها، سهمیه‌های واردات، تشریفات گمرکی تا مجوزهای اجباری، مقررات امنیت غذایی و اقدامات امنیت ملی را پوشش می‌دهند. مبانی اصول کلی حاکم بر سازمان جهانی تجارت منعکس کننده اهداف ملحوظ در موافقتنامه‌های چند جانبه سازمان جهانی تجارت می‌باشد. اصولی از قبیل تضمین آزاد سازی تجارت، قواعد ناظر بر کاهش تعرفه‌های گمرکی یا قواعد مربوط به دسترسی به بازار، اصول منع تبعیض، قواعد مربوط به شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری، اصل توسعه و اصلاحات اقتصادی یا قواعد مربوط به ارتقاء هم‌نوایی مقررات ملی در حوزه‌های خاص، قواعد تجارت عادلانه یا منصفانه یا قواعد ناظر بر تجارت غیرمنصفانه و قواعد مربوط به رفتار ویژه با کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی یا همان قواعد مربوط به تنازع میان آزادسازی تجارت و دیگر منافع و ارزش‌های اجتماعی اصولی هستند که راهنمای فعالیت‌های این سازمان تلقی می‌شوند. تا پیش از شکل‌گیری موافقت‌نامه تریپس، حمایت جامعی از حقوق مالکیت فکری اجرا نمی‌شد، آنچنان که حمایت‌ها بیشتر جنبه منطقه‌ای داشت و هر فرد خواهان حفظ این حقوق مکلف بود تا جهت حفظ حقوق مربوطه در هر کشور جداگانه اقدام بر ثبت آثار خود نماید شکل‌گیری این موافقت‌نامه و مطرح کردن اصولی چون اصل رفتار کامله‌الوداد^۲ در ماده ۴،

^۱ سازمان تجارت جهانی، به طور رسمی از ابتدای سال ۱۹۹۵ با هدف توسعه و بهبود همکاری‌های اقتصادی بین‌المللی، تقویت اقتصاد جهانی، ایجاد ثبات اقتصادی، رشد و توسعه تجارت آزاد و منصفانه، رفع اختلافات و مشکلات تجاری میان اعضا، ایجاد شد.
^۲ بر اساس تعریف کمیسیون حقوق بین‌الملل شرط دولت‌های کامله‌الوداد یک قاعده معاهده‌ای است که به موجب آن یک دولت تعهدی را در قبال دولت دیگر بر عهده می‌گیرد که بر مبنای آن رفتار دولت‌های کامله‌الوداد را در یک حوزه مورد توافق در روابطشان به آن دولت اعطاء نمایند. همچنین رفتار دولت‌های کامله‌الوداد از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، امتیازی است که دولت اعطاءکننده به دولت ذینفع یا به اشخاص و اشیایی که در روابط فی مابین آن دو دولت مورد توافق قرار گرفته است، داده می‌شود و آن دولت متعهد می‌گردد که در صورت توسعه و افزایش این امتیاز در روابط فی مابین دولت اعطاءکننده با یک دولت ثالث امتیاز توسعه یافته را به دولت مقابل نیز تسری دهد.

اصل رفتار ملی^۱ در ماده ۳، اصل شفافیت در ماده ۶۳ و حل و فصل اختلافات در ماده ۶۴ در راستای تحقق تضمین حقوق فوق الذکر بود هرچند این موافقتنامه در باب اجرای و تفسیر حقوق مالکیت فکری مقرراتی چون ضمانت اجراهای مدنی، اداری، گمرکی و کیفری را پیش بینی نموده است که در این مقال جای نمی‌گیرند. در واقع تریپس برای اولین بار با پیش‌بینی ضمانت اجراهای مؤثر، زمینه حمایت‌های جدی از حقوق مالکیت فکری را فراهم می‌کند (رئیس، ۱۳۸۵: ۱۱۶) با سیری در مقررات و رویه قضائی سازمان تجارت جهانی، خواهیم دید که یکی از موارد استنادی در عمده پرونده‌های این سازمان مسئله دو اصل مهم، اصل رفتار ملل کامله الوداد و اصل رفتار ملی می‌باشد که عبارتند از: مطلوبیت برای یکی به مفهوم مطلوبیت برای همه است؛ وفق ماده ۱ گات، هر گونه امتیاز مطلوبی را که یک شریک کامله الوداد به شریک دیگر خود اعطاء می‌کند، بلافاصله و بدون هر گونه قید و شرطی بایستی به سایر شرکای کامله الوداد خود نیز اعطاء نماید و همچنین اصل رفتار ملی که این اصل تحقق بخش جنبه داخلی " اصل عدم تبعیض " است و اشعار می‌دارد؛ هیچ یک از دول عضو نبایستی نسبت به کالاهای وارداتی به قلمرو خود در مقام مقایسه با کالاهای مشابه تولید داخلی تبعیضی قائل شود؛ چرا که از قبل پذیرفته و متعهد شده‌اند به منظور رعایت اصول اقتصاد و تجارت هر چه آزادتر و بازتر، نبایستی نسبت به تولیدات خارجی وارداتی به کشور در مقام مقایسه با تولیدات داخلی مشابه، رفتار مطلوب کمتری اعمال نمایند.^۲ (آقایی، ۱۳۹۲: ۳۳).

لذا اصل الغای کلیه تبعیض‌های تجاری به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حاکم بر رژیم حقوقی سازمان جهانی تجارت به دو شکل متجلی شده است. یکی به این صورت که اگر با کالاهای وارداتی از کشورهای گوناگون برخورد و رفتار متفاوتی شود، به نحوی که با کالاهای مشابه نسبت به این که از کدام کشور وارد می‌شوند برخورد متفاوتی صورت پذیرد، چنین رفتاری تبعیض‌آمیز بوده و بایستی ملغی شود. این نوع تبعیض در ماده ۱ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ و ماده ۲ موافقتنامه راجع به تجارت خدمات (گاتز) و ماده ۴ موافقتنامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) تصریحاً پیش بینی شده

^۱ رفتار ملی به این معناست که در مورد حمایت از مالکیت فکری از جمله طرح‌های صنعتی، هر کشور عضو کنوانسیون تریپس ملزم می‌باشد است که همان امتیازاتی را که در مورد حمایت از مالکیت فکری به اتباع خود می‌دهد به اتباع سایر کشورهای عضو معاهده نیز ارائه کند. این قاعده تضمین می‌کند که اتباع دیگر کشورها نه تنها مورد حمایت قرار گیرند بلکه هیچگونه تبعیضی علیه آنان اعمال نخواهد شد و اتباع ملی برتری بر اتباع بیگانه نخواهند داشت.

^۲ Id: ART 3.

است. صورت دوم تبعیض این است که کالاها و خدمات تولید داخل نسبت به کالاها و خدمات وارداتی از امتیازات و مساعدت‌های مناسب‌تری برخوردار باشند. این موضوع در اقتصادهای سوسیالیستی نموده بیشتری دارد؛ زیرا حمایت از اقتصاد داخلی در این نظام‌ها واجد اهمیت بیشتری بوده و نظام‌های لیبرال در مقابل آن نفی می‌شوند. برای مثال می‌توان به تقابل آمریکا و چین در دوره حاضر در این خصوص اشاره داشت. این نوع تبعیض مطابق ماده ۳ موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) ۱۹۹۴ و ماده ۱۷ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات (گاتز) و ماده ۳ موافقتنامه راجع به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس) به صراحت منع شده است. بنابراین، کشورهای عضو نباید سیاست‌هایی اتخاذ نمایند که به موجب آن امتیازاتی به محصولات ساخت داخل داده شود و محصولات وارداتی از آن محروم شوند. به طوری که بر اساس ماده ۳ گات کشورهای عضو موظفاند مطمئن شوند امتیازات و مساعدت‌های اعطایی به کالاهای وارداتی از امتیازات و مساعدت‌های اعطایی به کالاهای ساخت داخل کمتر نباشد. لذا اصل منع تبعیض خود تشکیل دهنده دو اصل یا رکن اساسی است که شاکله رفتار منع تبعیض را در حقوق سازمان جهانی تجارت تشکیل می‌دهد.

برای جبران این حقوق نیز ماده ۴۵ تریپس مقرر نموده که، "مقامات قضایی از این اختیار برخوردار خواهند بود که به نقض کننده یک حق مالکیت فکری دستور دهند که به دارنده این حق خسارت کافی را برای جبران خسارت وارده به او پرداخت نماید" (کمیلی پور، ۱۳۹۴: ۷۸۵). از طرفی در بند ۲ همان ماده به مقامات قضایی این اختیار را داده که نقض کننده را ملزم نموده تا سایر هزینه‌ها از جمله حق‌الوکاله را بپردازد (صادقیان، ۱۳۹۱: ۷۳). بنابراین، تریپس به عنوان یک تعهد بین‌المللی به کشورهای عضو، ضمانت اجراهای قانونی را تکلیف نموده و برای تضمین اجرای حقوق مالکیت فکری ساز و کارهای موثری را در دسترس صاحبان حق قرار دهد. با تأسیس سازمان تجارت جهانی برای نخستین بار در عرصه بین‌الملل قواعد جامعی در باب رویه‌ها و راه‌های جبران داخلی در صورت نقض یک حق مالکیت معنوی مورد توافق قرار می‌گیرد، پس بنابراین در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت مقررات اجرایی تریپس دو هدف دارند یکی تضمین مؤثر اجرا که در اختیار صاحبان حقوق مالکیت معنوی قرار می‌گیرد دوم تضمین این که رویه‌های اجرائی به طریقی اعمال نشوند که در راه تجارت مشروع، ایجاد مانع کنند (میرحسینی: ۱۳۹۱: ۲۸۵) در ادامه نیز با بررسی رویه قضائی سازمان تجارت جهانی خواهیم دید که وجود اصول پیش گفته، نحوه اجرای آراء، در پاسخ به این سؤال که چه تضمین‌ها و حمایتی را سازمان در راستای تعالی حقوق مالکیت فکری مطرح می‌کند؟ می‌توان

بیان داشت عملکرد صحیح سازمان و آن چنان که از آرا هویداست ارسال گزارش تطابق کشورهای محکوم با فرامین سازمان، خود نشان از اثر مثبت در تضمین حقوق مالکیت فکری از مجاری این سازمان می‌باشد.

۲. موافقت نامه تریپس و اصول سازمان تجارت جهانی، حمایت حداقل

موافقتنامه تریپس به عنوان یکی از مهمترین اسناد در دور اروگوئه^۱ پس از مذاکرات فراوان مورد توافق نهایی قرار گرفت. این موافقتنامه که هم چنین یکی از سه رکن اصلی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی (موافقتنامه‌های مربوط به تجارت کالا، موافقتنامه مربوط به تجارت خدمات، موافقتنامه مربوط به حقوق مالکیت فکری) است، از اسناد غیر قابل تفکیک دور اروگوئه محسوب گردیده و از جامعترین و کاملترین موافقتنامه‌ها در خصوص حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید که تاکنون در سطح بین‌المللی وجود داشته است. از جمله حقوقی که سهم زیادی در تجارت و پیشرفت آن داشته حقوق مالکیت فکری است. در خصوص حقوق مالکیت فکری می‌توان گفت این حقوق شامل حقوق مالکیت صنعتی که در زمینه اختراعات، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و نشانه‌های مبداء می‌باشد و حق تکثیر یا کپی رایت که در زمینه آثار ادبی، موسیقی، هنری، عکاسی و سمعی و بصری است، می‌گردد.

در موافقتنامه مالکیت فکری سازمان تجارت جهانی به چهار کنوانسیون به نام کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی (۱۹۶۷)، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۹۷۱)، کنوانسیون رم برای حمایت از اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمان‌های پخش رادیو تلویزیونی (۱۹۶۱) اشاره گردیده است.

عمده‌ترین علل ظهور و پیدایش موافقت نامه تریپس را چنین برشمرده‌اند:

- ۱ - فقدان مقررات لازم جهت حل و فصل دعاوی بین‌المللی ناشی از چگونگی اجرای کنوانسیون‌های برن و رم.
- ۲ - فقدان مقررات در باره پدیده‌های جدید مثل برنامه‌های رایانه‌ای، پایگاه‌های اطلاعاتی و

^۱ هشتمین و آخرین دور از مذاکرات تجاری چند جانبه بود که در چارچوب موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت انجام شد. این مذاکرات از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳ برگزار گردید و دربرگیرنده ۱۲۳ کشور به عنوان «طرف‌های قرارداد» بود. این دور از مذاکرات منجر به ایجاد سازمان تجارت جهانی شد. به عبارت دیگر این سازمان جانشین موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت شد که پس از جنگ جهانی دوم منعقد گردیده بود. همچنین در این دوره بود که استانداردهای حداقلی برای حمایت از حقوق مالکیت معنوی توسط کشورهای عضو تدوین شد.

انتقال ماهواره‌ای و تاکید صرف بر حق مؤلف و حقوق مرتبط با آن در کنوانسیون‌های قبلی
۳ - توسعه انتشار بین‌المللی آثار حمایت شده فکری در نتیجه توسعه تکنولوژی و ارتباطات
و ضرورت تضمین حقوق صاحبان این آثار.

۴ - شیوع سرقت آثار فکری در سطح بین‌المللی و لزوم کنترل، کاهش و جلوگیری از آن
(دیلمی، ۱۳۸۵: ۱۷۳ و ۱۷۴). موافقت‌نامه تریپس در راستای حمایت از حقوق مالکیت فکری و
همچنین جلوگیری از بروز اختلافات ۳ اصل بنیادی را پیش بینی نمود که به ترتیب بررسی
خواهیم نمود اصل رفتار ملی: بند ۳ ماده ۱ موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد: اعضا باید رفتار
مقرر در موافقت‌نامه را در مورد اتباع سایر کشورهای عضو مراعات نمایند. در مورد حقوق
مالکیت معنوی مورد بحث (کپی رایت و حقوق مرتبط) با اتباع سایر کشورهای عضو همانند
اشخاص حقیقی یا حقوقی که شایستگی حمایت مقرر در کنوانسیون برن و رم را داشته باشند
رفتار می‌شود. به موجب بند ۳ ماده ۱، هر عضو باید در مورد اتباع سایر اعضا به گونه‌ای رفتار
کند که از آنچه در مورد اتباع خود در خصوص حمایت از مالکیت معنوی اعمال می‌نماید،
مطلوبیت کمتری نداشته باشد (البته با در نظر گرفتن قواعد و استثنائات خاص، قواعد راجع به
اعمال اصل رفتار ملی از اهمیت بنیادی برخوردار است؛ زیرا به موجب آن برای اتباع تریپس این
امکان را فراهم می‌آورد که هر یک از کشورهای عضو تریپس، از رفتار ملی برخوردار شوند، تنها
مشروط به محدودیت‌های خاصی که در موافقت‌نامه مطرح شده است، این اصل در رابطه با
کپی رایت و حقوق مرتبط، به نحو متفاوتی اعمال می‌گردد (رکنی دزفولی، ۱۳۸۵: ۶۶) اما در
موافقت‌نامه تریپس در ماده ۴ مقرر داشته است « هرگونه مزایا، منافع، امتیازات یا معافیتی که
در خصوص حمایت از مالکیت فکری، یک عضو به اتباع هر کشور دیگر اعطا کند، فوراً و بدون
هیچ گونه قید و شرطی در مورد اتباع اعضای دیگر پذیرفته خواهد شد (کمیلی پور، ۱۳۹۴:
۸۵۴) بر اساس این اصل اعضای سازمان تجارت جهانی باید نسبت به عدم تبعیض بین
طرف‌های تجاری خود را رعایت نموده و نمی‌توانند بین آنها تفاوتی را قائل شوند. طبق این ماده
از موافقت‌نامه، اعطای یک امتیاز به یک کشور باعث می‌شود که اجباراً همین رفتار را به سایر
اعضای موافقت‌نامه تسری بخشند (صائبی، ۱۳۹۰: ۳۸ و ۳۹)) در موافقت‌نامه تریپس مقرراتی
برای پیشگیری از وقوع اختلافات نیز پیش بینی شده است. این مقررات در ماده ۶۳ این
موافقت‌نامه ذیل عنوان شفافیت^۱ ذکر گردیده است. همان گونه که از عنوان آن بر می‌آید، ماده

¹ Transparency.

مذکور تلاش دارد تا برخی تعهدات دولت‌های عضو را بیان دارد که به واسطه آنها، اعضاء قوانین، مقررات، تصمیمات نهائی قضائی و احکام اداری واحد کاربرد عمومی را به منظور شفاف سازی در دسترسی آسان قرار داده و با انتشار آنها زمینه اطلاع رسانی در این رابطه را فراهم نمایند. با دقت بیشتر در عبارات به کار رفته، در می‌یابیم که سعی گردیده تا به وسیله آن، اقدامات صورت گرفته در قسمت سوم از موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) که در خصوص اجرای حقوق مالکیت فکری قواعدی را طی بیست ماده (ماده چهل و یک الی شصت و یک) بیان می‌دارد، به طور روشن و آشکار به اطلاع عموم رسانده شود تا به این ترتیب موجب کاهش اختلافات احتمالی در این زمینه گردد. مفهوم شفافیت در ماده شصت و سه موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) علی‌القاعده به تعهدات اعضاء در ارائه اطلاعات به دیگر کشورهای عضو در خصوص روش‌های حمایتی مالکیت فکری در محدوده حاکمیت و قلمروشان می‌پردازد. این تعهد از طریق انتشار رسمی، اطلاع رسانی به شورای موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) و اجابت درخواست دیگر کشورهای عضو مبنی بر دسترسی به اطلاعات مورد نظر، اعمال می‌گردد. در این مفهوم آشناسازی فعالان اقتصادی دیگر کشورها با مقررات داخلی حقوق مالکیت فکری مورد توجه قرار گرفته و تعاملات بین‌المللی آثار و پدیده‌های فکری را قابل پیش‌بینی تر می‌سازد تا موجب ترغیب صاحبان حقوق مالکیت فکری به مشارکت هرچه بیشتر در انتقال فناوری (که از جمله مهمترین اهداف موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) می‌باشد) گردد.

بنابراین به دلیل طبیعت سرزمینی مالکیت فکری، تا سال‌های اخیر شیوه‌های جایگزین، نقش خیلی کم‌رنگ و سنتی در حل اختلافات آن ایفاء کرده است. تا چندی پیش، صرفاً در برخی مناطق جهان همانند اروپا برای حل اینگونه اختلافات شیوه‌های مذکور مورد توجه قرار می‌گرفت. حقوق مالکیت فکری از سوی خود یک سرمایه محسوب می‌گردد، همانند کتب، موزیک، اختراعات و غیره و از سوی دیگر در بسیاری از موارد چارچوب و زمینه روابط تجاری است. مثلاً اینترنت، برنامه‌های کامپیوتری، علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی، که امروزه از ابزار مهم و اصلی روابط تجارت بین‌الملل محسوب می‌گردند. به علت همین ارتباط تنگاتنگ، اختلافات تجاری غالباً متضمن حقوق مالکیت فکری نیز می‌باشند. معمولاً در روابط تجاری شهرت و اعتبار افراد بسیار مهم و اساسی است و این حسن اعتبار ممکن است به راحتی در کشمکش طرح دعوا در مراجع قضایی از بین برود. در حالی که معمولاً شیوه‌های جایگزین توأم

با نوعی روابط دوستانه و حسن نیت است و شهرت و حسن اعتبار افراد و شرکتهای را خدشه‌دار نمی‌سازد. طبیعت خصوصی شیوه‌های جایگزین موجب محرمانه ماندن اسرار حرفه‌ای و تجاری طرفین اختلاف می‌شود. در حالی که بیشترین آئین‌های محاکم ملی جنبه عمومی داشته و به همین علت نمی‌تواند جنبه خصوصی و بعضاً محرمانه حقوق مالکیت فکری را پاسخ دهد. معمولاً تخصص و دانش فنی لازم مربوط به اینگونه موضوعات نیز در محاکم ملی وجود ندارد. پیرو ماده فوق آن دسته از قوانین، مقررات و تصمیمات نهایی قضایی و احکام اداری با کاربرد عام که یک دولت عضو در ارتباط با موضوع موافقتنامه فوق به اجرا می‌گذارد، باید منتشر شده و یا در مواردی که انتشار آنها برای عموم به زبان ملی امکان‌پذیر نیست، به گونه‌ای منتشر شود که دولت‌ها و دارندگان حقوق مالکیت فکری بتوانند به آنها دسترسی داشته باشند. آن دسته از مربوط به موضوع موافقتنامه فوق نیز که میان یک دولت عضو یا یک سازمان دولتی وابسته به آن و دولت عضو دیگر مجرا شود، باید منتشر گردد.^۱ (کمیلی پور، ۱۳۹۴: ۸۸۲) همچنین در ادامه ماده بیان شده، اعضا موظف می‌شوند که قوانین و مقررات مذکور را به اطلاع « شورای جنبه‌های تجاری مالکیت فکری » برسانند تا شورای مذکور در بررسی عملکرد اعضا در قبال این موافقتنامه یاری شود شورای مزبور موظف گردیده است که سعی کند با اتخاذ تدابیری، سهم دولت‌ها در مورد این مساله را به حداقل برساند.^۲ (کمیلی پور، ۱۳۹۴: ۸۸۲) یعنی بخش اعظم کار را خود از طرق گوناگون به انجام برساند تا شورا به دولتها بعنوان تنها منبع اطلاعاتی خود متکی نباشد. شورا باید سعی کند با همکاری « سازمان جهانی مالکیت فکری » یک سیستم مشترک به وجود آورد تا دولتها مجبور به اطلاع دادن مستقیم قوانین و مقررات خود به آن نباشند. معهدا موافقتنامه تریپس اعضا را ملزم نمی‌کند اطلاعات محرمانه‌ای را افشا سازند که اطلاع از آنها ممکن است به اجرای قانون یا منافع عمومی یا منافع تجاری مشروع شرکت‌ها و مؤسسات خاصی چه عمومی و چه خصوصی زیان وارد آورد. (صابری انصاری؛ ۱۳۸۱: ۱۴۹)

^۱ بند ۱ ماده ۶۳ نقش عمده ای در آزاد سازی و ارتقای سطح تجارت بین المللی بای می‌کند، این ماده لزوم دسترسی به قوانین و دیگر قواعد و مقررات مربوطه کشورها ثالث را فراهم می‌کند که متضمن ایجاد شفافیت در روابط اعضا و تجارت بین‌المللی است.
^۲ بند ۲ ماده ۶۳ به عنوان مکمل بند ۱ رویه عملی کشورهای عضو در خصوص انتشار قوانین و مقررات را از طریق اعلام به شورای تریپس و مساعدت به شورای فوق در نظارت بر اجرای موافقت‌نامه بیان داشته است و در فرض ایجاد بایگانی مشترک مابین سازمان جهانی مالکیت معنوی (واپپو) و شورای تریپس اعضا موظف به ارائه قوانین خود به این بایگانی هستند از طرف دیگر اعضا می‌توانند به صورت مستقیم قوانین را در اختیار کشور متقاضی قرار دهند و در نهایت از ارائه قوانین که مغایر منافع عمومی باشد و یا متضمن زیان به منافع عمومی یا خصوصی بنگاه‌های خاص باشد، خودداری کند.

۳. فرآیند حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی مطابق با تفاهم نامه مربوط به قواعد و رویه‌های حل اختلاف که در بطن اسناد نهایی گات می‌باشد، بر عهده رکن حل اختلاف قرار گرفته است، این رکن تنها مرجعی خواهد بود که اختیار تشکیل یک پانل یا هیأت کارشناسی برای رسیدگی به موضوع اختلاف و نیز قبول یا رد تصمیم پانل را دارا است. رکن حل اختلاف بر اجرای تصمیمات نظارت خواهد کرد و در صورت تخطی و یا قصور در اجرای تصمیمات، می‌تواند دستور اقدام متقابل را صادر کند. روش حل و فصل اختلاف در این سازمان ترکیبی از روش‌های مختلف حل اختلاف است که در مجموع از هر دسته از روش‌های سیاسی و حقوقی متمایز است. آغاز این روش رسیدگی مشورت اجباری بین کشورهای طرف اختلاف است که مسلماً یک روش سیاسی حل اختلاف است و در پی انقضای مهلتی معین تشکیل مرجع رسیدگی پیش بینی شده است. که نوعی نهاد قابل مقایسه با داوری و یا حتی سازش محسوب می‌شود و پس از انجام وظیفه منحل می‌شود. در عین حال این مرجع رسیدگی‌ها حکم صادر نمی‌کنند و گزارش می‌دهند که تصویب یا عدم تصویب آن بستگی به نظر رکن حل اختلاف دارد که در واقع همان شورای سازمان است. و عملاً ملاحظاتی سیاسی در کار آن دخالت دارد. به علاوه وجود رکن استینافی در این نظام در مقابل خصیصه‌ای کاملاً قضایی به این نظام می‌بخشد. و به این ترتیب نهایتاً نمی‌توان نظام مزبور را قاطعانه در زمره روش‌های حقوقی یا سیاسی دانست اما با توجه به اینکه نظام مزبور در پی اصلاحات دور اروگوئه گرایش بیشتری به سمت (قاعده-مندی) و قضایی شدن یافته است و وزن و اعتبار عوامل حقوقی در آن بیشتر شده است. بهتر است شبه قضایی خوانده شود تا شبه سیاسی (ممتاز، ۱۳۷۶: ۱۶)

گام اول: تبادل (حداکثر ۶۰ روز)

در صورت بروز اختلاف قبل از هر اقدامی کشورهای مربوط باید با یکدیگر مذاکره نمایند و تلاش کنند دوستانه حل و فصل نمایند. همچنین می‌توانند از مدیر کل سازمان تقاضا کنند از طریق وساطت یا در راه دیگر به آنان برای رفع مشکل کمک نماید. (شیروی، ۱۳۹۱: ۱۰۵)

گام دوم: پانل حل و فصل اختلافات (زمان تشکیل پانل حداکثر ۴۵ روز و زمان لازم برای تصمیم گیری پانل حداکثر ۶ ماه است.)

اگر مذاکرات و تبادل به جایی نرسید. دولت مدعی می‌تواند تقاضای تشکیل یک پانل را بنماید. دولت متهم می‌تواند یکبار مانع تشکیل پانل شود اما وقتی رکن حل اختلاف برای بار

دوم تشکیل جلسه دهد، تشکیل پانل دیگر می‌تواند به تعویق افتد مگر آنکه رکن حل اختلاف به اتفاق آرا علیه تشکیل پانل رأی دهد. بطور رسمی، پانل تنها به « رکن حل اختلاف» در تصمیم‌گیری کمک می‌کند اما از آنجا که رکن حل اختلاف تصمیمات و گزارش پانل تنها با اتفاق آرا می‌تواند رد کند، گزارش پانل تقریباً حرف آخر را می‌زند، در مواقع عادی، گزارش پانل باید حداکثر ظرف ۶ ماه به طرفین اختلاف تسلیم شود. (صابری انصاری؛ ۱۳۸۱: ۱۵۱)

گام سوم: رکن حل اختلاف

گزارش نهایی پانل، در صورتی که ظرف مدت ۶۰ روز اتفاق آرا در رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی رد نشود، بعنوان «حکم» این رکن محسوب شده و برای طرفین لازم الاجرا است. درحالی که در مقررات گات سابق تصمیمات هیأت رسیدگی برای «اجرا» می‌بایست به اتفاق آرا دست یابد و همین امر حاکمیت مقررات حل و فصل اختلافات در گات سابق را تحت الشعاع خود قرار داده و این سیستم عملاً کارایی و بازدهی مطلوبی نداشت (صابری انصاری؛ ۱۳۸۱: ۱۵۱) در نظام تازه حل و فصل سازمان تجارت جهانی رکن استیناف، پدیده‌ای جدید است. رکنی است با هفت نفر که تجدید نظر خواهی از گزارش‌های صادره از هیئت‌ها در اختلافات مطرح شده توسط اعضای سازمان تجارت جهانی را، رسیدگی می‌کند این رکن وفق ماده ۱۷ تفاهم‌نامه قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات ایجاد شد. رکن تجدید نظر خواهی می‌تواند یافته‌های حقوقی و نظر نهایی پانل را تأیید، اصلاح یا نقض کند یافته‌های حقوقی و نتیجه‌گیری هیئت و گزارش رکن تجدید نظر خواه، زمانی که توسط رکن حل و فصل اختلافات تصویب شد باید توسط طرفین اختلاف پذیرفته شود (کمیلی پور، ۱۳۹۷: ۱۱۹) رکن استیناف باید ظرف شصت روز از تاریخ در خواست استیناف به وسیله عضو مربوط، نظر نهایی خود را اعلام کند. در صورتی که چنین کاری امکان پذیر نباشد، مراتب را به رکن حل اختلاف اطلاع دهد. از این رو، این مدت نباید از نود روز متجاوز گردد. وظیفه ارگان استیناف تشخیص این امر است که آیا هیأت رسیدگی از اختیارات صلاح‌دیدگی خود به درستی استفاده نموده است یا خیر (مافی، حاجی حسینی، ۱۳۹۲: ۲۴۲) گزارش هیئت رسیدگی اولیه همراه با هر آنچه در مرحله استیناف بدست آمده همگی به شورای عمومی تسلیم می‌شود که ممکن است گزارش هیئت را رد کند، آن را تأیید و تصویب می‌کند. شورای عمومی یک مرجع تصمیم‌گیری رسمی و مستقل است و توصیه‌های هیئت‌های نخستین هیچ گونه اثری بر نظم و تصمیم او ندارد مگر اینکه خود او آنها را بپذیرد و قبول نماید. همینکه گزارش هیئت رسیدگی مورد قبول

و تصویب شورای عمومی قرار گرفت همه طرف‌ها از نظر حقوقی موظف خواهند بود که آن محترم شمرند و یافته‌های آن را اجرا کنند. قصور و تخلف از نظر شورا می‌تواند به اقدامات تلافی آمیز منتهی شود، البته اگر شورا آن را اجازه دهد. علی‌الاصول، اقدام تلافی جویانه در حوزه همان موافقتنامه یا ترتیبات تعرفه‌ای خواهد بود که اقدامات تخلف آمیز اولیه در رابطه با آن انجام یافته است. (محبی، ۱۳۷۵: ۹۴)

۴. نقش اصول در پرونده‌های مالکیت فکری

قواعد و مقررات مربوط به حقوق مالکیت فکری شکل گرفته طی ترتیبات موافقت نامه‌های برن، پاریس و تریپس از طریق مجاری پیش‌بینی شده در قوانین کشورها جای خود را در مقررات ملی باز کرده و به این ترتیب به مرحله اجرا در می‌آید. هرچند امروزه حقوق بین‌المللی، مالکیت فکری را به معنای نظام حقوقی مستقل و بی‌نیاز از نظام‌های داخلی نمی‌توان قابل تصور دانست اما بنا به دلایل فراوان می‌توان شاهد این واقعیت بود که نظام بین‌المللی از جایگاه صرفاً بیان کننده اصول کلی در زمینه حقوق مالکیت فکری یا به عبارتی در حاشیه قرار گرفتن، به نظامی تعیین کننده و تأثیرگذار در ارائه اصول مبنایی و سیاست‌های زیربنایی مورد اجرا توسط نظام‌های ملی تغییر وضعیت داده است و در مواردی به واسطه ترتیبات تنظیم شده در آنها از نقشی نظارتی طی ترتیباتی عملی و اجرائی نیز برخوردار گردیده که نمونه بازر آن در موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) قابل مشاهده می‌باشد. این مطلب بدان معنا نیست که تعیین محتوای مقررات مورد اشاره از اختیار نظام‌های داخلی سلب گردیده، بلکه بیانگر این واقعیت است که اجرای ضوابط و معیارهای مورد اشاره منوط به در نظر گرفتن، حفظ و رعایت چارچوب‌های پیش‌بینی شده در مقررات مندرج در موافقتنامه جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری (تریپس) می‌باشد.

حمایت از علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی محصولات کشاورزی و غذایی^۱ مابین استرالیا و اتحادیه اروپا در ۱۷ آوریل ۲۰۰۳، استرالیا طبق ماده ۴ تفاهم نامه حل و فصل اختلافات درخصوص حمایت از علائم تجاری و جغرافیایی محصولات غذایی و کشاورزی درخواست مشورت با اتحادیه اروپا را مطرح کرد. در این دعوا، استرالیا ادعا نمود که اتحادیه اروپا رفتار مشابه و یکسان با اتباع و محصولات را در داخل اتحادیه و خارج از آن به طور فوری

¹ Protection of Trademarks and Geographical Indications for Agricultural Products and Foodstuffs.

و بدون قید و شرط اعمال نمی‌نماید. همچنین، استرالیا استدلال می‌کند که اتحادیه اروپا با اتباع و محصولات مشابه خارج از اتحادیه اروپا با تبعیض رفتار نموده و امتیازات یکسانی را نسبت به آنها اعمال نمی‌نماید. همچنین استرالیا به شدت باور داشت که رفتارهای اتحادیه اروپا سبب تضعیف حمایت از علائم تجاری می‌گردد. هیات رسیدگی بیان نمود که اتحادیه اروپا در اعمال حمایت یکسان و برابر از نشانه‌های جغرافیایی نسبت به اعضای سازمان جهانی تجارت دچار تبعیض گردیده است. هیات رسیدگی دریافت که شکایت کردن افراد غیر تبعه یا غیر مقیم در اتحادیه اروپا از طریق دولت متبوعشان یک عمل کمتر مطلوب و در تضاد با اصل رفتار ملی است (Taubman et al., 2012: 74). همچنین هیأت رسیدگی به این نتیجه رسیده است که مشروط نمودن رفتار ملی به رفتارهای متقابل و برابر، سبب اعمال رفتاری نامطلوب تر شده و این امر در تعارض با مفاد بند ۴ ماده ۳ گات ۱۹۹۴ می‌باشد (WT/DS ۲۹۰/R). در جلسه ۱۹ مه ۲۰۰۵، جامعه اروپا قصد خود را برای اجرای توصیه‌های رکن حل و فصل اختلاف را اعلام کردند و اظهار داشتند که برای این کار به یک دوره زمانی معقول نیاز دارند و توافق شد تا این مدت زمان معقول برای اجرا ۱۱ ماه و ۲ هفته باشد. در نشست ۲۱ آوریل ۲۰۰۶، جامعه اروپایی بیان داشت که با تصویب مقررات جدیدی که از ۳۱ مارس ۲۰۰۶ لازم الاجرا خواهند شد، توصیه‌ها و احکام رکن حل و فصل اختلاف را کاملاً اجرا خواهند کرد (WT/DS174/25/Add.3 11 April 2006) در پرونده‌ای مشابه، با عنوان حمایت از علائم تجاری و نشانه‌های جغرافیایی محصولات کشاورزی و غذایی^۱ مابین آمریکا و اتحادیه دولت آمریکا در تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۹ درخواست مشورت با اتحادیه اروپا را بیان نمود. در این دعوی، حمایت از نشانه‌های جغرافیایی و علائم مبدأ در اتحادیه اروپا برای محصولات کشاورزی و غذایی با چالش مواجه بود. مطابق یافته‌های هیات، اقدام اتحادیه اروپا در تعارض با بند ۱ ماده ۳ موافقت‌نامه تریپس و بند بند ۴ ماده ۳ گات ۱۹۹۴ بوده و اصل رفتار ملی را نقض نموده بود (WT/DS ۱۷۴/R). و در نهایت رأی واحد همراه با پرونده قبل صادر گردید. پرونده اقدامات مربوط به علائم تجاری، نشانه‌های جغرافیایی و دیگر الزامات بسته بندی محصولات دخانی^۲ اندونزی و استرالیا، دولت اندونزی در مکاتبه‌ای خطاب به دولت استرالیا و رئیس رکن حل و

¹ Protection of Trademarks and Geographical Indications for Agricultural Products and Foodstuffs.

² Certain Measure Concerning Trademarks, Geographical Indications and Other Plain Packaging Requirements Applicable to Tobacco Products and Packaging.

فصل اختلافات درخواست مشورت نمود دولت اندونزی مدعی گردیده است که مقررات جدید استرالیا با بند ۱ ماده ۲ موافقت نامه تریپس در تعارض می باشد، زیرا مطابق ماده ۶ پنجم کنوانسیون پاریس که کلیه اعضا متعهد به رعایت آن می باشند، دولت استرالیا باید کلیه علائم تجاری را به همان ترتیب که در کشور مبدأ خود ثبت شده اند مورد حمایت قرار دهد، (۴۶۷/۱ WT/DS درحالی که استرالیا این الزام را رعایت نمی کند. همچنین، دولت اندونزی به علت اعمال رفتار نامطلوب تر، اقدامات دولت استرالیا را در تعارض با بند ۴ ماده ۳ گات ۱۹۹۴ یعنی در تعارض با اصل رفتار ملی دانسته است. (بزرگی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۷) در پرونده دیگری عربستان سعودی با محدود کردن اتباع قطر در درون مرزهایش در حمایت از حقوق مالکیت فکری آنان دو اصل رفتار ملی و کامله الوداد را نقض نموده است چرا که اتباع قطر در مقایسه با اتباع عربستان و اتباع دیگر کشورها در خاک عربستان از حمایت‌ها بی بهره هستند (WT/DS567/1) در دعوایی که اخیراً قطر و امارات به عنوان دو کشور اسلامی علیه هم مطرح کردند (WT/DS526/1) و همچنین دعوای مشابه که قطر علیه بحرین مطرح کرده (WT/DS527/1) قطر ادعا می کند که اقدامات توسط امارات متحده عربی باعث شده است که مالکان قطری، حق چاپ و حق پخش علائم تجاری و سایر اشکال مالکیت فکری را برای اتباع قطری غیرممکن نموده است و نمی توانند حقوق مالکیت فکری خود را علیه اشخاص ثالث اعمال کنند. دومین ادعای حقوقی درخواست توسط قطر بر اساس اصل کامله الوداد و تحت ماده ۴ موافقت نامه تریپس بود است (14) (, Al kammiz, 2017: 13). عدم تبعیض یک مفهوم کلیدی در حقوق و سیاست گذاری سازمان تجارت جهانی است که به کرات در پرونده های فوق شاهد آن‌ها بودیم. به عبارت دیگر تعهد به رفتار ملت کامله الوداد مانع از آن می شود که یک کشور میان کشور های دیگر تفاوت گذارد، اما تعهد به رفتار ملی مانع از آن است که یک کشور علیه اتباع کشور های دیگر تبعیض روا دارد. تبعیض میان کشورها و نیز علیه اتباع دیگر کشورها ویژگی مهم سیاست های تجاری محافظه کارانه است بود که از طرف بسیاری از کشورها در زمان بحران های اقتصادی دهه ۱۹۳۰ اعمال شد. هر چند به نظر می رسد دعوای فوق به سرنوشتی مانند، دعوای ایالات متحده - ماده ۲۱۱ قانون چندگانه تملک ۱۹۹۸ (WT/DS176/R, para. VIII.501 and VIII.503)، علائم تجاری و جغرافیایی اروپا (WT/DS290/R, para. VII.163) چنان که خواهان این دعوا با توجه به نقض اصل کامله الوداد از ادامه دعوا صرف نظر کرد و یا ملزم بر تطبیق قوانین خود گردیدند

نمونه دیگر دعوای ایالات متحده - ماده ۲۱۱ قانون چندگانه تملک^۱ ۱۹۹۸ می‌باشد که هیئت تجدید نظر مقرر داشت که اگر تبعه یکی از کشورهای عضو در قلمرو یکی از اعضای دیگر دعوایی اقامه کند، و این دعوا در کشور اخیر مشمول دادرسی تک مرحله‌ای باشد و مشمول آیین دادرسی چند مرحله‌ای نگردد، این امر به وضوح تبعه خارجی را در مقایسه با اتباع داخلی در وضعیت نامطلوب‌تر قرار داده و به منزله نقض اصل رفتار ملی مقرر در موافقت‌نامه تریپس خواهد بود (شکوهمی زاده، ۱۳۹۵: ۱۲۲).

از طرفی در پرونده دیگری ژاپن^۲ قانونی را در سال ۱۹۷۱ در ارتباط با کپی رایت تصویب کرد که تنها آثار خارجی را مورد حمایت قرار می‌داد، که در سال ۱۹۷۱ و یا پس از آن ایجاد شده‌اند و این در نقض بارز اصل رفتار ملی و کامله الوداد بود سبب طرح دعوا آمریکا مستند به اصول فوق بود (WT/DS28/1). و در نهایت توافق دوجانبه ژاپن و آمریکا مبنی بر خاتمه دوستانه دعوا و ملزم شدن ژاپن مبنی بر اصلاح مقررات خود و حمایت از آثار مالکیت فکری پیش بینی کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WT/DS28/4). به این ترتیب با اصلاح قانون کپی رایت ژاپن آثار خارجی مابین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۱ نیز مشمول حمایت قرار گرفتند (Masterson, 2004: 24).

و در یکی از جدیدترین پرونده‌ها مقامات ترکیه برای دستیابی به بومی سازی محصولات در ترکیه برنامه‌هایی را اتخاذ کرده‌اند و بدین ترتیب تولیدکنندگان خارجی باید تولید برخی محصولات دارویی خود را در ترکیه بومی‌سازی کنند. اگر چنین تعهداتی تحقق نیابند مقامات ترکیه از پذیرش چنین شرکت‌هایی خودداری خواهند نمود و چنین مقرره و الزامی برای تولید کنندگان داخلی وجود ندارد که در مقایسه با شرکت‌ها و اتباع خارجی تبعیض آمیز بوده و نقض اصل رفتار ملی است چرا که ترکیه رفتاری مطلوب، مشابه رفتارش با اتباع خود، نسبت به شرکت‌های خارجی ندارد (WT/DS583/1) همه این پرونده‌ها چه آنها که تاکنون مطرح شده و در مرحله مشورت هستند و چه آنها که قدیمی‌تر بوده با توافق یا توصیه خاتمه یافته‌اند، نشان می‌دهند که اصول مالکیت فکری در موافقت‌نامه تریپس بر عملکرد دولت‌ها سایه افکنده و کشور ما ایران نیز در صورت عضویت در این نهاد باید تلاش کند قوانین خود را مطابق با چنین اصولی تنظیم و شفاف نماید تا در آینده در فرض عضویت، شاهد دعوای علیه ایران نباشیم.

¹ United States — Section 211 Omnibus Appropriations Act of 1998.

² Japan — Measures Concerning Sound Recordings.

۵. جبران‌های مؤثر در سازمان تجارت جهانی

برخی جبران‌های مؤثر در سازمان تجارت جهانی به شرح ذیل می‌باشد

الف) اجبار به تبعیت: این موضوع در پرونده جامعه اروپا- موز^۱ و سپس پرونده ایالات متحده (قانون ۱۹۱۶ ایالات متحده، برزیل - هواپیما^۲ و ایالات متحده - قمار^۳، پیروی و تصریح شد که ماهیت تعلیق موقت امتیازات، اشاره بر آن دارد که مقصود از اقدامات متقابل، « الزام به تبعیت » از مقررات می‌باشد. (مروت، ۱۳۹۳: ۲۲۷)

ب) غرامت: در قضایای فوق، قسمتی از استدلال به این امر اختصاص داده شد که الزام به تبعیت، هدف انحصاری تفاهم نامه نیست. ایشان به موضوع تعلیق امتیازات و پرداخت غرامت اشاره کردند و آن را به عنوان « غرامت موقت » در نظر گرفتند .
معیار مناسب: این موضوع بدان اشاره دارد که بند ۴ ماده ۲۲ تفاهم نامه « سطح برابر با زوال یا لطمه به منافع » را به عنوان سقفی برای میزان تعلیق در نظر می‌گیرد (مروت، ۱۳۹۳: ۲۲۷).

بر خلاف سیستم گات، سازمان تجارت جهانی در ماده ۲۱ تفاهم نامه قواعد حل و فصل اختلافات، سیستم نظارتی را به منظور تضمین کارایی سیستم حل و فصل سازمان تعبیه دیده است ماده ۲۱ ابزارهای نظارتی گوناگونی از جمله تعیین فرصت معقول در جهت اجرای تعهدات را مقرر می‌دارد عدم وجود چنین مقرره‌ای امر را به قانون داخلی و به نحوی خودسرانه در اختیار داوران قرار داده و سبب می‌شد تا خودسرانه اجرای تصمیمات، افزایش یا کاهش یابد که این خود می‌توانست دردسر بزرگی برای مالکیت معنوی باشد (feng, 2005: 6,7) با این حال در میان شیوه‌های جبران خسارت در سازمان جهانی تجارت سلسله مراتب وجود دارد (بیگ زاده و صادقی، ۱۳۹۱: ۲۵۸) بنابراین ضمانت اجرا در سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به این صورت است که ابتدا طرف ملزم به اجرا است و باید احکام و توصیه‌های ساده شده را اجرا کند در صورت عدم اجرا به حالت عادی و به صورت اختیاری ضمانت اجرای مهم نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی شروع می‌شود که همان تعلیق یا مقابله به مثل می‌باشد (پنانهنده، ۱۳۹۰: ۱۰۵) از طرف دیگر در تفاهم نامه حل اختلافات مقرراتی در باب نظارت بر اجرای آرا نیز پیش بینی شده است باید در نظر داشت که رکن حل و فصل اختلاف سازمان

¹ EC – Bananas III (US and Ecuador).

² Brazil – Aircraft (Article 22.6 – Brazil).

³ US – Gambling (Article 22.6 – US).

تجارت جهانی به عنوان مسئول اصلی نظارت بر اجرای احکام و توصیه‌ها می‌باشد این نظارت تا پایان اجرا و حل موضوع مورد اختلاف ادامه دارد دولت محکوم نیز مطابق با بند ۳ ماده ۲۱ باید گزارش پیشرفت کار را ظرف ۱۰ روز پیش از تشکیل رکن حل و فصل به مرجع مذکور ارائه نماید ضمانت اجرا عدم رعایت مقره فوق معامله به مثل یا تعلیق امتیازات می‌باشد اگر کشوری به هر دلیلی تبعیت از مقررات الزام آور مذکور را گردن نهد، گام بعدی از سلسله ضمانت اجراهای مربوط به احکام حل اختلاف سازمان فعال خواهد شد که عبارت است از پرداخت خسارت به دولت متضرر (پیری، سهرابی، ۱۳۹۹: ۱۵۶۱) گام موقتی بعدی که تا زمان اصلاح رفتار دولت متخلف می‌تواند ادامه یابد، عبارت است از تعلیق امتیازات؛ بدین صورت که دولت‌های عضو سازمان می‌توانند در ابتدا با رعایت اصل تناسب، برخی از امتیازات خود نسبت به دولت متخلف را در راستای انجام عمل متقابل به حالت تعلیق درآورند (ماده ۲۲ سند تفاهم) و چنانچه عمل متخلفانه دولت مزبور ادامه داشته باشد، دولت‌های متضرر مجاز خواهند شد تا امتیازات مربوط به سایر موافقتنامه‌های خود ذیل سازمان را نیز در مورد دولت متخلف به حالت تعلیق درآورند (پیری، سهرابی، ۱۳۹۹: ۱۵۶۲). باید در نظر داشت بر اساس ماده ۲۲ تفاهم‌نامه، در صورت عدم اجرای توصیه‌های هیأت حل اختلاف، دولت خواهان می‌تواند درخواست غرامت از دولت خوانده بنماید. بر اساس بند ۱ ماده مذکور غرامت کاملاً جنبه اختیاری و ارادی داشته عبارات دیگر در مکانیزم حل اختلاف سازمان تجارت، پرداخت غرامت بعنوان یکی از ضمانت اجراهای تخلفات، جنبه تحمیلی نداشته و به درخواست دولت خواهان بستگی دارد. علت این موضوع این است که پرداخت غرامت از سوی دولت خوانده جنبه تنبیهی نداشته بلکه صرفاً جنبه جبران خسارت دارد (رئسی، ۱۳۸۸: ۳۰۹). یک مورد آن اقدام متقابل هم عرض است در این قسم دولت خواهان باید در درجه اول دقیقاً امتیازی را تعلیق نماید که از سوی دولت خوانده نقض گردیده است. قسم دیگر اقدام متقابل مشابه در این نوع دولت خواهان باید چنانچه شق اول قابل اجرا نمی‌باشد حتی المقدور سعی نماید تا آن را در خصوص اقلام یا بخشی متفاوت ولی مشابه در همان قرارداد اجرا کند. و در نهایت اقدام متقابل متفاوت چنانچه دو قسم فوق امکان پذیر نباشد اقدام تلافی جویانه می‌تواند در خصوص موضوعی متفاوت مثلاً خدمات و از قراردادی متفاوت با آنچه که نقض گردیده به عمل آید. در مورد اقدام متقابل هم همانند سایر مراحل اجرایی مرجع اختلاف مسئول نظارت است (کدخدائی، ۱۳۷۶: ۹۸) در تفاهم نامه سعی شده «اقدامات متقابل» به عنوان حربه‌ای جهت تضمین و اجرای احکام و مصوبات سازماندهی شود بدین گونه که به دولت‌ها فرصتی معقول و مشخص برای اجرای احکام و توصیه‌ها داده

می‌شود و در صورت عدم اجرای آنها توسط طرف خاطی، دولت شاکی می‌تواند اجرای «اقدام متقابل» یعنی تعلیق اجرای امتیازات و یا تعهدات نسبت به دولت خاطی را از رکن حل اختلاف درخواست نماید (صادقی حقیقی، رئیسی؛ ۱۳۹۵: ۱۳۰). این مقرر صرفاً علیه کشوری که همچنان بر خلاف مقررات سازمان تجارت جهانی رفتار می‌کند (Wasserman Rajec, 2016: 173) می‌توان گفت در واقع اقدامات متقابل آخرین حربه‌ای است که مورد استفاده قرار گرفت تا دولت خاطی تن به اجرای توصیه‌ها و احکام دهد. به این ترتیب، اقدام متقابل در صورت نقض یک معاهده طبق کنوانسیون وین مشروط و محدود شده است در حالی که در چارچوب گات و سازمان تجارت جهانی این گونه اقدامات تنها پس از طی مراحل حل و فصل مسالمت آمیز اختلاف ممکن است و در گات ۱۹۴۷ در مرحله آخر با تصویب شورای گات عملی می‌شود واضح است که بخصوص در امر تجارت اهمیت استمرار روابط تجاری دلیل وجود چنین محدودیتی بر اقدام متقابل است (حمید، ۱۳۹۸، ۳۸۴). هر چند در رویه سازمان جهانی تجارت در خصوص ضمانت اجرای آرای صادره بحثی تحت عنوان زندان نمی‌تواند مطرح شود، اما کشوری که عمل خلافی انجام داده باید دست از این کاربر دارد و اگر به خلاف خود و نقض مقررات ادامه دهد باید متحمل غرامت یا جریمه شود. اولویت در این مرحله این است که کشور خواننده سیاستهایش را هماهنگ با توصیه‌ها و آراء تغییر دهد. موافقتنامه حل و فصل اختلافات سازمان جهانی تجارت تأکید می‌کند که هماهنگ سازی فوری با توصیه‌ها و آرای رکن حل اختلاف برای حل و فصل مؤثر اختلافات به نفع کلیه اعضا لازم و ضروری است (پیلتن، ۱۳۹۱: ۴۶) اولین مورد استفاده اقدام متقابل تحت موافقت نامه تریپس پرونده موز و ادعای اکوادور علیه جامعه اروپا بود (Whiteman, 2010: 195). اما پانل داوری معتقد بود باید با در نظر نظر گرفتن حقایق و اوضاع و احوال و مناسب بودن موارد، مورد تقاضا و هم سطح بودن آنها با خسارات و آسیب‌های وارده نظر دهد (رئیسی، ۱۳۸۸: ۳۱۱) اما در پرونده دوم آنتیگوا علیه آمریکا در نشست رکن حل و فصل اختلافات در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۳، آنتیگوا و باربودا از رکن خواست که اجازه تعلیق امتیازات و تعهدات نسبت به ایالات متحده در رابطه با حقوق مالکیت معنوی را صادر کند. بر اساس درخواست آنتیگوا و باربودا تحت ماده ۲۲.۷ موافقت‌نامه حل و فصل اختلافات، رکن مزبور موافقت کرد که مجوز تعلیق درخواست امتیازات یا سایر تعهدات سازگار با تصمیم داور را اعطا کند (WT/DS285/26).

قانون کشور هندوستان در این مورد مبهم است و گروهی از حقوق دانان موافق و گروهی دیگر مخالف استفاده از رویه داوری برای رسیدگی به موارد مرتبط با ثبت اختراع هستند. سوی

از موردی که در ماده ۱۰۳ از قانون ثبت اختراع در هند آمده است و به موجب آن در صورت استفاده دولت از یک اختراع ثبت شده، حق داوری محفوظ است، نه در قانون ثبت اختراع هند و نه در قانون داوری هند، موردی دال بر ارجاع موارد امتیاز ثبت اختراع و یا نقض آن به دادگاه‌های داوری وجود ندارد. به موجب قانون ثبت اختراعات، صلاحیت لغو حق امتیاز به هیات استیناف مالکیت فکری اعطاء شده است.

مدافعات مبنی بر عدم نقض امتیاز قرارداد از سوی خواننده و یا دادخواست رسیدگی به نقض حق امتیاز از جانب صاحب امتیاز در صورت وجود خطر نامحتمل نقض امتیاز را نمی‌توان در دادگاه مذکور و پیش از ارجاع به دادگاه محلی مورد رسیدگی قرار داد.

دادخواست دال بر نقض حق امتیاز را نمی‌توان در دادگاه مذکور و پیش از ارجاع آن به دادگاه محلی مورد رسیدگی قرار داد؛ مگر این که مدافعه‌ای دال بر لغو امتیاز توسط خواننده ارائه شود که در این صورت مورد نقض حق امتیاز به همراه مدافعه ارائه شده به دادگاه عالی ارجاع می‌شوند.

به صورت خلاصه، شرکت‌ها و وکلای آنها تمایلی برای حل اختلاف‌های مرتبط با ثبت اختراعات توسط دادگاه‌های داوری ندارند. در هر صورت لازم به ذکر اینک که به چند دلیل داوری رویه‌ای مؤثر و مقرون به صرفه و جایگزین مناسبی برای رویه‌های قضایی است ضمن این که حداقل می‌توان از آن در مواردی که مدافعه‌ای دال بر عدم اعتبار امتیاز اختراع ارائه نشده است، استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

پیرو آنچه در مقاله فوق بررسی شد، سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه تریپس تلاش دارند تا در مقایسه با گذشته، حمایت‌های بیشتر از این حقوق داشته باشند و این حمایت‌ها چه در حوزه اجرا و چه حوزه تضمین نمره قابل قبولی را اخذ می‌کند این سازمان با تدوین موافقت‌نامه تریپس و پیش‌بینی برخی اصول حمایتی استاندارد و حداقلی را مطرح می‌کند که تا به امروز این اصول منشأ بسیاری از پرونده‌ها و اختلافات در جهت تضمین مالکیت فکری بوده است، از طرف دیگر پیش‌بینی رکن حل و فصل اختلافات به‌عنوان سازوکاری الزامی و نه اختیاری در حل و فصل اختلافات این حوزه، گام بزرگ و بلند پروازانه در مقایسه با روش‌های کنوانسیون‌های پیشین می‌باشد، نظارت بر اجرای فرامین و آرا این نهاد، پیش‌بینی اقدامات متقابل هم‌عرض، تعلیق امتیازات از روش‌هایی است جهت الزام کشورها بر رعایت حقوق مالکیت

فکری، و آن چنان که از آرا هویداست کشورهای محکوم با ارسال گزارش تطابق خود با تصمیمات سازمان را اعلام نمودند با این حال پیشنهاد می‌شود رکن حل و فصل اختلافات سعی کند علاوه بر مقرر شفافیت، نظارت بیشتری مانند بازرسی‌ها را در دستور کار قرار دهد از طرف دیگر سعی کند تا در مورد پرونده‌هایی که از لحاظ موضوع به هم شباهت دارند با صدور نوعی رأی وحدت رویه، نوعی هماهنگی در تصمیم‌گیری را ایجاد کند و چه بسا سبب جلوگیری از بروز اختلافات شود، تلاش بر ترغیب اعضا جهت اعمال حمایت‌های بیشتر از مالکیت فکری و بازبینی و به روز نمودن مقررات این موافقت‌نامه متناسب با حمایت‌های تریپس پلاس می‌تواند بر حمایت‌های این سازمان در این حوزه نقش مثبت‌تری از خود نشان دهد.

منابع

الف) کتاب

- ۱) بزرگی، وحید، فتحی زاده، امیر هوشنگ، سیدی، میرهادی، (۱۳۹۴)، حقوق مالکیت فکری در سازمان تجارت جهانی، تهران: میزان.
- ۲) پناهنده، سید بهرام، (۱۳۹۰)، طرق رفع منازعات تجاری در نظام WTO، تهران: خرسندی.
- ۳) جرویس دانیل، (۱۳۹۵)، موافقت‌نامه تریپس تاریخچه تدوین و تحلیل مواد، ترجمه شکوهی زاده رضا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴) رئیسی لیلا، (۱۳۸۸)، نظام حل و فصل اختلافات حقوق مالکیت فکری، تهران: انتشارات جنگل.
- ۵) شیروی، عبدالحسین، (۱۳۹۱)، حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- ۶) کمیلی پور، علی، (۱۳۹۴)، قوانین و کنونسیون‌های مرتبط با حقوق تجارت بین‌الملل، تهران: انتشارات جنگل.
- ۷) کمیلی پور، علی، (۱۳۹۷)، متون حقوقی حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- ۸) ممتاز، جمشید، (۱۳۷۶)، تفاهم‌نامه سازمان تجارت جهانی راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات: نوآوری‌ها و ابداعات، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.

۹) میرحسینی، سیدحسن، (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی، تهران: انتشارات میزان.

ب) مقاله

۱۰) پیلتن، فرزاد، (۱۳۹۱)، رژیم حل و فصل اختلافات در سازمان جهانی تجارت، مجله دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۷.

۱۱) حمید، کامل، حل و فصل اختلافات تجاری بر مبنای رویه داوری سازمان جهانی تجارت WTO، فصلنامه بین‌المللی قانون یار، پاییز ۱۳۹۸، دوره ۳، شماره ۱۱، ۳۶۱-۳۹۰.

۱۲) دیلمی، احمد، (۱۳۸۵)، کی‌رایت و حقوق مرتبط از برن تا تریپس، فصلنامه فقه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، پاییز، صص ۱۶۳-۱۹۷.

۱۳) رکنی دزفولی، سید محمدرضا، (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی مالکیت معنوی در حقوق ایران و سازمان تجارت جهانی، ماهنامه معرفت، شماره ۶، ۵۸-۷۰.

۱۴) رئیسی لیلا، (۱۳۸۵)، بررسی و ارزیابی شیوه‌های حل و فصل اختلافات مربوط به مالکیت فکری در وایپو و تریپس، مجله حقوقی مفید، ج ۲، ش ۲: ۱۲۸-۱۰۷.

۱۵) صادقی دزکی، زیبا، بیگزاده، ابراهیم، (۱۳۹۱)، حل و فصل اختلافات در مورد شیوه‌های جبران خسارت در سازمان جهانی تجارت، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۱۱۰، ۲۴۵-۲۷۸.

۱۶) کدخدائی، عباس، (۱۳۷۶)، نگرشی بر ساختار مرجع حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۲۱: ۱۸۴-۱۲۵.

۱۷) مافی، همایون، حاجی حسینی، محمدجواد، (۱۳۹۲)، اثربخشی نظام حل و فصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد، سال بیست و دوم پاییز شماره ۶۸، ۲۳۳-۲۵۴.

۱۸) مگی، آندرو، (۱۳۷۶)، آئین حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی ترجمه محبی، محسن، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۷: ۹۷-۶۷.

۱۹) مروت، مجتبی، (۱۳۹۳)، حقوقی بین‌المللی: زمینه‌های مؤثر در تعیین مسئولیت اعضای سازمان جهانی تجارت، مجله حقوق بین‌المللی، شماره ۵۱؛ از صص ۲۰۵-۲۳۴.

۲۰) صابری انصاری، بهزاد، (۱۳۸۱)، نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت فکری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

- ۲۱) صادقیان امراله، (۱۳۹۱). ضمانت اجرای نقض علائم تجاری در حقوق ایران و نظام بین‌المللی حقوق مالکیت فکری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۲۲) صائبی علیرضا، (۱۳۹۰)، آثار حقوقی الحاق ایران به موافقت‌نامه تریپس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی دانشگاه قم.
- ۲۳) آقایی، محمد، (۱۳۹۲)، آثار حقوقی اصول بنیادین سازمان جهانی تجارت بر بهره‌برداری و عرضه جهانی نفت، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی.

English

A) book

- 24) John T. Masterson, 2004, International Trademarks and Copyrights: American Bar Association.
- 25) Taubman.Antony, Wager, Hannu, Watal, Jayashree, 2012, A handbook on the WTO TRIPS Agreement, Cambridge University Press.

B) Articles

- 26) Al-Kammaz, Malik, (2019). Consultation Requests Filed with WTO by the State of Qatar Concerning Measures Adopted by United Arab Emirates: An Analysis of The Legal Bases of the Requests and the Anticipated Invocation of Article XXI Regarding Security Exemption. *WIPO Academy, University of Turin and ITC-ILO - Master of Laws in IP - Research Papers Collection - 2017-2018*, pp.1-26.
- 27) Wasserman Rajec, Sarah R. (2016). "The Intellectual Property Hostage in Trade Retaliation, Faculty Publications. 1831. <https://scholarship.law.wm.edu/facpubs/1831>.
- 28) Whiteman, Allison L. (2010), Cross Retaliation under the TRIPS Agreement: An Analysis of the Policy Options for Brazil, 36N.C. J. Int'l L. &Com. Reg. 187.

C) Cases

- 29) WT/DS590/4.
- 30) WT/DS583/1.
- 31) WT/DS174/R.
- 32) WT/DS290/R.
- 33) WT/DS174/25/Add.3 WT/DS290/23/Add.3 11 April 2006.
- 34) WT/DS467/1.
- 35) WT/DS567/1.
- 36) WT/DS526/1.
- 37) WT/DS527/1.
- 38) WT/DS176/R, para. VIII.501 and VIII.503.
- 39) WT/DS290/R, para. VII.163.
- 40) WT/DS28/4.

41) WT/DS28/1.

42) WT/DS285/26.

Français

43) Shujie Feng, 2005, La mise en oeuvre des décisions de l'ORD de l'OMC en matière de propriété intellectuelle par les pays en développement, Version française: Forum 2005 de la Société Européenne du Droit International, Genève.

